

فارسی کرمان

مفتار سوم

واگه‌ها

۱-۳ فارسی کرمان گذشته از واگه‌های ساده فارسی کنونی دارای واگه‌های تناری است که آنرا در دیگر زبانها بگونه /ə/ و انویسی میکنند. و ما آنرا بگونه /ë/ نمایانده‌ایم و در جای خود از آن سخن خواهیم گفت (رک، ۲-۳).

i		u
e	ë	o
a		â

گزارش واگه‌های ساده در بخشهای باز بی‌لنگر کوتاه است و در دیگر بخشها کمی کشیده‌تر است.

کمی کشیده	کوتاه	واگه
šënid	šënidan	i
tëleng	setam	e
maske	tëma	a
kut	kutâ	w
tox-kâr	xoru	o
fëtërât	tâtu	â

دگرگونی در واگه‌های /a/ و /e/ و /i/ بیشتر روی میدهد و در واگه‌های /â/ و /u/ و /o/ کمتر و از اینرو بروش دیگران گروه نخست را ناپایدار و گروه دیگر را پایدار مینامیم (رک. ابدال واگه‌ها).

کشش واگه‌ها در برخی واژه‌ها باندازه‌ی زیاد است که بسادگی آنرا میتوان دریافت و این کشش بیشتر بجای واگی است که در فارسی آن واژه‌ها گزارش میشود و در کرمانی می‌افتد (رك. ۲-۲۳ و ۲-۲۴) واگه‌های کشیده را بانسانه‌یی که زیریاری آنها گذاشته‌ایم از دیگر واگه‌ها باز می‌شناسیم.

	i	e	a	u	o	â	کوتاه
(۱)	ī	ē	ā	ū	ō	â	کشیده

۲-۳ واگه /ə/ که در بالا از آن یاد کردیم نثار است و گزارش آن میانه /a/ و /e/ است باگشادگی میانگین. /ə/ کشش و تکیه نمی‌پذیرد در آغازواژه و پس از /h/ یی که در آغاز واژه باشد در نمی‌آید در پایان واژه گاهی می‌آید ولی هیچ وقت در پایان روند گفتار نمی‌آید (رك. ۴-۷ /ə/) و جای آن همیشه در بخش باز است.

۳-۳ گزارش دو واگه /ou/ نزدیک بگزارش o در واژه انگلیسی so است و /ow/ گزارش غیر شهری آن است که به ou انگلیسی در واژه foul نزدیک است و این گزارش در فارسی نیست.

گزارش دو واگه /ey/ همانند گزارش آن در فارسی کنونی و نزدیک به /ey/ در واژه key انگلیسی است (رك. ۱-۲ و ۴-۸ و ۴-۹).

گفتار چهارم

ابدال واگه‌ها در فارسی کرمان

/i/ ۱-۴

بجای /u/

در xande-sirun «خسته‌سوران».

*šim «شوم».

*tênir-cu «چوب‌تنور» (تنور چوب).

*bid «بود».

بجای /e/

در šiš «شش».

بجای /â/

در *oftidan «افتادن».

*vâsidan «ایستادن».

۴-۲ /e/

بجای /a/

در endâxtan «انداختن».

endâze «اندازه».

deryâ «دریا».

feryâd «فریاد».

tešte «تشته».

teryâk «تریاک».

dendun «دندان».

بجای /â/

در re «را».

/i/ بجای /

در târeki «تاریکی».

hec «هیج».

resmun «ریسمان» ،

در / meš/

بجای / mi-še... :

mešnâsi «میشناسی» .

mešmâri «میشماری» .

در / mes/

بجای / mi-se/ :

mestuni «میستانی» .

پیش از /x/ در کنشهای bextan «بیختن» .

rextan «ریختن» .

gorextan* «ریختن» .

۳-۴ / a/

بجای / â/

در ta «تا» «لا» .

در aftow* «آفتاب» .

۴-۴ / u/ :

الف : /un/ بجای /ân/ فارسی میآید مانند :

goldun «گلدان» dokun «دکان» .

soltun «سلطان» .

irun «ایران» (کشور). در نامزن irân گفته میشود. mosalmun

«مسلمان» .

بجای /on/

در nâxun «ناخن» .

ب : /um/ بجای /âm/ :

در tümum «تمام» .

bënum «بنام» .

harum «حرام» .

Yolum «غلام» .

در برخی از واژه‌های تازی مانند eslâm «اسلام» ؛ emâm «امام» و selâm

«سلام» /âm/ بجا مانده است ولی در واژه peyrum-ê selum «پیغام

وسلام» /um/ شده است .

۴-۵ /o/

بجای /e/

در پیشاویز التزامی یا امری هر جا که /be/ پیش از بخش /o/ دار یا /u/ دار باز

در آید bo میشود مانند :

bodo «بدو» ، boxorim «بخوریم» ،

bogu «بگو» ، boku «بکوب» .

bokošan «بکشند» . (ودر فارسی کنونی نیز چنین است)

بجای /a/

در «آوردن» âvordan .

بجای /â/

الف : در nom-xodâ «نام خدا» ، hâlo «حالا» ، bâlo «بالا» .

در پس‌شمار /...to/ بجای «...تا» مانند carto «چهارتا» .

در /...jo/ «...جا» هر گاه در پایان واژه همبست در آید مانند kojo «کجا» ،

hej-jo «هیچ جا» .

ب : در gozoštan «گذاشتن» ، doštan «داشتن» که /oš/ بجای /âš/ آمده است .

ج : در oftou* «آفتاب» و oftoue* «آفتابه» که /of/ بجای /âf/ آمده است .

بجای /u/

در morik* «مورچه» ، gok* «غوك» .

٤-٦ /â/

بجای /o/

در arâl «آغل» .

بجای /a/

در ârus «عروس» .

بجای /e/

در âstâ «آهسته» .

٤-٧ /ë/ در بخشهای باز بی ننگر :

الف : گاهی بجای /e/ مانند ketâb «کتاب» .

ب : بیشتر بجای /a/ مانند kërîm «کریم» ، behâr «بهار» ، kâsel «کسل» ، demu «دموک» نقاخ .

ج : بجای /o/ در واژههایی مانند bërûz «بروز» ، šemâ «شما» و بجای

/o/ پیوند (عطف) فارسی در برخی جاها مانند :

del-ë gorde «دل وقلوه» sër-ë bar «سر ولباس» .

د : بندرت بجای â

در bâlë-dargâ «بالا در گاه» hâlë dëge «حالا دیگر» .

ه : بجای / u /

در واژه‌های «عروسی، عروسان» ârësun «عروسک» ârësu .

یادداشت :

گزارش / ë / همیشه پایدار نیست .

در واژه‌هایی مانند dêraxt بهیچ نزدیک است و میتوان گفت که بگزارش درنمی‌آید .

در واژه‌هایی چون gëdâ و tégic نتار است و در jëvun و këtâb به / e / نزدیک میشود و از اینرو میتوان آنرا دگر گونه / e / پنداشت .

در جاهایی که بجای o پیوند فارسی می‌آید گزارش آن گاهی از / ë / به o بسته میگراید که آوانوشت درستتر آن / ö / است ولی از آنجا که در گزارش آن هماهنگی در مردم نیست برای دریافت و نمایش دگرگونی‌های آن به بررسی بیشتری نیاز است که در آن وسیله‌یی خرده سنج‌تر از گوش بکار رود و اکنون ما درهمه جا آنرا بگونهٔ / ë / می‌آوریم .

ey/ ۸-۴

بجای / i /

در eyd «عید» ، beyde «بیده» .

ou/ ۹-۴

بجای /âb/

در گزارش غیرشهری واژه‌های :

ou «آب» ، aftou «آفتاب» .

portou «پرتاب» ، mâtou «ماهتاب» .

xou «خواب» ، tou تاب .

toue «تابه» ، dušou «دوشاب» .

sangou «سنگاب» .

بجای /âv/

در gou «گاو» .

بجای /ab/

در tou «تب» ، šou «شب» .

بجای /â/

در šenou «شنا» .

بجای /af/

در dërouš «درفش» . در oušin «افشان» ، kouš «کفش» .

در ousâr «افسار» ، ouyun «افغان» .

گفتار پنجم

تکیه و آهنگ

۱-۵ تکیه گاه واژه‌ها در کرمانی با فارسی کنونی تفاوت چندانی ندارد در

اینجامجال باز نمایانندن تکیه گاه واژه‌ها در فارسی نیست^۱.

در هر يك از نمونه‌های زیرین از کرمانی :

(1) xordam

(2) šënidî

دو تکیه گاه میتوان یافت :

۱- روی آخرین بخش (پساویز) :

(3) xordám «خورده‌ام» .

(4) šënidî «شنیده‌ای» .

۱- رجوع شود به «وزن شعر فارسی» تألیف دکتر پرویز ناتل خانلری (صفحه ۱۲۰).

که زمان گذشته مرکب است .

۲- روی بخش پیش از آخر (آخرین بخش بن کنش) :

(5) xórdam «خوردم» .

(6) šēnīdi «شنیدی» .

که گذشته ساده است .

در کنش هایی که دارای پیشاویزند تکیه بر روی پیشاویز است :

(7) mí-re

(8) má-do

(9) be-de

و اگر چند پیش آویز با کنش باشد تکیه گاه نخستین پیش آویز است :

(10) né-mi-xâm

(11) vár-mi-garde

تکیه گاه نام وصفت آخرین بخش است .

(12) xandún

(13) qâlí

(14) taxté

(15) xormâ-beríz

(16) dēbúng

(17) kufté

(18) mundení

این تکیه در بانگ و فریاد روی نخستین بخش واژه می آید :

(19) ey xódâ

(20) áziz

(21) kál māmud

(22) (1) áferin

(23) éybollá

(24) ékbir

(25) úrum

۱- در این گفتار بعلت کمبود وسیله /á/ را بجای /â/ گذاشته ایم .

نام‌های فاعل و مفعول و فرزام همانند نام و صفت تکیه می‌گیرند (رك. 12 و 17 و 18).
ضمیرهای جدا همانند نام تکیه می‌پذیرند و ضمیرهای پیوسته تکیه ندارند.

(26) šémí «شما» .

(27) zéd-am «زدم» .

(28) zéde-tam «مرا زد» .

(29) bíl-am «بیلیم» .

نشانه جمع دارای تکیه است :

(30) mard-ú «مردها» .

(31) zāmat-keš-ú «زحمتکشان» .

آنچه را که در فارسی حرف قید گوئیم در بخش نخست تکیه می‌گیرد :

(32) šúyad «شاید» .

(33) véli «ولی» .

(34) bálkon «بلکه» .

در قید پرسش یا حرف پرسش نیز تکیه هست :

(35) kí «کی؟» .

(36) ké «که؟» .

(37) cé «چه؟» .

و در چند بخشی‌ها روی بخش آخر است :

(38) kodún «کدام؟» .

(39) cojó «کجا؟» .

در قیدهای همبست اگر /œ/ باشد تکیه روی آنست :

(40) cérá «چرا؟» .

(41) cé-vax «چه وقت؟» .

(42) cé-jur «چه جور؟» .

حرکت اضافه تکیه ندارد :

(43) sër-e šáb «سرسب» .

(44) zevâl-e zör «سر ظهر» .

/ i / (ی) مصدری تکیه‌دار است :

(45) mard-í «مردی» .

(46) zāmat-keš-í «زحمتکشی» .

/ i / (ی) نکره و وحدت بی تکیه است :

(47) mard-i «مردی» .

(48) zāmat-kéš-i «زحمتکشی» .

/ i / (ی) پساویز دوم شخص تنها نیز بی تکیه است ولی تکیه بخش پیش از

آن زیادتر (از 47 و 48) است :

(49) mard-i «تو مردی» .

(50) zāmat-kéš-i «تو زحمتکشی» .

۲-۵ آهنگ گفتار در زبان فارسی به تکیه واژه‌ها وابسته است زیرا تکیه

در این زبان از آهنگ (زیر و بم) و کوبش درست میشود. و تکیه واژه‌ها در جمله‌مایه

آهنگ گفتار است و باد گرگون شدن آهنگ گفتار در یک جمله اندیشه‌ای که در آن

نهیفته است عوض میشود. در نمونه‌های :

(51) mí-tarsam↓ «میت‌رسم» .

(52) mí-tarsam↑ «میت‌رسم؟» .

(53) mī-tarsám↑ «میت‌رسم...» .

از يك واژه یا جمله سه اندیشه درمی یابیم . افزایش تکیه در شماره (52) معنی پرسش میدهد و پیدایش آن در بخش آخر شماره (53) ناتمام ماندن جمله را می رساند . در شماره (51) که تکیه در جای نخستین خود نشسته است آهنگ آن ساده یا طبیعی است ، در شماره (53) نخستین تکیه واژه کاهش یافته است و بر روی (mi) تکیه سبکی است که ما آنرا بگونه (ï) نمایانده ایم و بانشانه تکیه (í) فرق دارد .

در اینجا باید افزود که آهنگ گفتار تنها وابسته به کنش یا يك واژه از جمله نیست بلکه در واژه های دیگر هم میتواند کارگر شود .

↓ tē az korbāre mí-tarsi «تو از قورباغه میترسی» .

↑ tē az korbúre mí-tarsi «تو از قورباغه میترسی؟»

یا بعبارت دیگر آهنگ گفتار از همبستگی همه تکیه ها پیدا میشود ولی در کنش جمله نمایان تر است .

برای نمونه در زیر یکی از داستانهای بومی کرمان را نشانه گزاری میکنیم در اینجا تنها به نشانه گزاری تکیه سنگین واژه ها پرداخته ایم و افزایش و کاهش آهنگ گفتار را با ↑ و ↓ نمایانده ایم .

کرمانی

↓ bāce fíl | az jú jékíd |

↓ xeštékeš dēríd |

↑ ráf píš-e nanés |

↓ góf | nāne nāne dendúnékam |

↓ az dārd-e dendún koftékam |

↓ az dārd-e kóf šákulékam |

فارسی

بچه فیل از جو جهید ،

خشتکش درید ،

رفت پیش ننهش ،

گفت: ننه ننه! دندونکم ،

از درد دندون ، لبکم ،

از درد لب ، بیخ فکم ،

az dârd-e šâkúl gušékam↓	از درد بن فك گوشكم ،
az dârd-e gušák cešmékam↓	از درد گوشك چشمكم ،
az dârd-e cešmák sêrékam↓	از درد چشمك سر كم ،
az dârd-e sâr gardênékam↓	از درد سر گردنكم ،
az dârd-e gardân dastékam↓	از درد گردن دستكم ،
az dârd-e dâs qulenjekam↓	از درد دستك كتفكم ،
az dârd-e qulénj poštékam↓	از درد كتفك پشتكم ،
az dârd-e pōš pestunékam↓	از درد پشت پستونكم ،
az dârd-e pestún dēlékam↓	از درد پستون دل كم ،
az dârd-e dél pāloyékam↓	از درد دل پهلو يكم ،
az dârd-e pālú nâfékam↓	از درد پهلو نافكم ،
mórdam↑elúji kón nâne↑	مردم علاجی کن ننه !
nâne fíl↑harf-ú-re šeníd↑	ننه فیل، حرفها رو شنید .
góf nâne nâne qorbúnetam↑	گفت : ننه ننه قربونتم ،
heyrúnetam↑	حیرونتم ،
sedeqé belâ gardúnetam↑	صدقه بالا گردونتم ،
âtēš-e sêr-e qalyúnetam↑	آتش سر قلیونتم ،
u-jó-yi ke dârd mí-kone bógu↓	اون جایی که درد میکنه بگو !

گفتار ششم

بخش بندی

۱-۶

بخش بندی از کارهای بنیانی در نگارش زبان یا گویش ولهجه است و برای هموار ساختن راه بررسی و کاوش در این زمینه‌ها ناگزیر باید بآن پرداخت.

بخش بندی فارسی کرمان نزدیک به فارسی کنونی است و اگر در زبان فارسی در این باره کوشش چندانی نشده و سخنی بسامان نرفته است از اینروست که زبان شناسی ولهجه نگاری در ایران بتازگی پای گرفته است و بینادی کهن ندارد. کوشش ارزنده آقای دکتر خانلری درباره بخش بندی در کتاب «وزن شعر فارسی» مرا از بسیاری سخن بی نیاز میدارد. من چندین جدول از بخشهای گوناگون فارسی کرمان فراهم آورده‌ام که در چاپ آنهادشواریهایی پدید آمد با اینهمه کوشیده‌ام تا نمودارهایی که از آنها ساختم روشن و رسا باشد.

نمودار هر واگه را در یک صفحه آورده‌ام و همه بخشهایی را که از آن واگه در فارسی کرمانی یافته‌ام در آنجا باز نموده‌ام.

واگهای سر آغاز بخشها را در ستون چپ جدول گذاشته‌ام و واگهای پایانی را در خط بالای جدول. از روی این جدولها با هر واگه تا چهار جور بخش درست می‌شود:

تک واگه مانند /â/ از یک واگه تنها

باز مانند /kâ/ از یک آواگ و یک واگه

یکسویه مانند /âr/ از یک واگه و یک آواگ

پر یابسته مانند /kâr/ از یک واگه در میان دو آواگ

از دو واگه‌ها تنها دو جور بخش میتوان یافت:

دو واگه تنها مانند /ou/ از يك دو واگه
 دو واگه پرمانند /gou/ از يك آواگ و يك دو واگه
 از واگه‌های کشیده نیز دو گونه بخش بدست می‌آید:
 کشیده تنها مانند /ā/ از يك واگه کشیده.
 کشیده پر مانند /tā/ از يك آواگ و يك واگه کشیده.
 با واگه نثار يك جور بخش درست میشود: /tə/ یا /tə/ .
 برای اینکه بدانیم چه بخشهایی با هر واگه درست میشود باید بجدول همان
 واگه بنگریم.

برای یافتن بخشی مانند /cāp/ در جدول ā واگ c را از ستون چپ و
 واگ p را از خط بالا و جای برخورد خط و ستون را در توی جدول پیدا میکنیم
 نشانه + در برخورد گاه خط و ستون نشانه بودن این بخش است و جای خالی
 نشانه نبودن آنست. بخش /kâx/ در فارسی کرمان نیست و اگر در جدول ā برخورد گاه
 x (از سمت چپ) و x (از بالای جدول) را در توی جدول پیدا کنیم نشانه‌یی
 در آنجا نمی‌بینیم.

نشانه پرسش (?) در جدول نمودار بخشی است که در فارسی کرمان نیست و
 از زبانی بیگانه بآن راه یافته است. در جدول 1 نشانه پرسش در برخورد گاه
 p ستونی و p کرانی نمودار بخش بیگانه /pip/ است که از زبانی دیگر آمده است
 و در فارسی بومی چنین بخشی نیافته‌ایم.

بخشهای باز در ستون دوم از سمت چپ و بخشهای یکسویه در خط دوم از
 بالای جدول جا دارند.

/ d / یا / t / بیفزاییم این دو بخش بصورت /ârd/ یا /kârt/ درمیآید ولی این واژه‌ها دیگر يك بخشی نیستند و هر کدام دارای دو بخش‌اند که آنها را بگونه / â-rd / و /kâ-rt/ بخش میکنند .

اینگونه بخش‌بندی بانهاد زبان فارسی چندان سازگار نیست .

واژه اروپائی / pist / را بگونه /pi-st/ بخش میکنند و دربخش دوم /st/، / s / را چون از / t / گشاده‌تر است بجای واگه ، مرکز یا رأس (هسته) بخش میدانند و بند آواگ /st/ در هر جای واژه بجای يك بخش شمرده میشود و واژه فرنگی Stratégie را نیز بگونه st-ra-te-gi بخش میکنند ولی در زبان فارسی همین واژه باافزایش / e / در آغاز استراتژی گزارش و بگونه /es-te-ra-te-gi/ بخش میشود زیرا در فارسی گزارش دو آواگ پیاپی مانند /st/ در آغاز واژه ناشدنی است و بگفته دستورنویسان: «ابتدا بساکن محال است» پس هر زبان ویژگی‌هایی دارد که شاید در زبان دیگر یافت نشود و از آنجا که بند آواگ /st/ در زبان مادر آغازواژه واژه نمیآید ، در پایان واژه نیز میتواند راهی را که بانهاد زبان ما سازگارتر است در پیش گیرد .

ما در اینجا بابخش‌بندی واژه‌های اروپایی سر و کار نداریم و نیز ازاینکه بخش‌بندی /pi-st/ در کدامیک از زبانها درست است درمیگذریم .

از آزمایشهای آواشناسی چنین برمیآید که بدنال گزارش واژه / pist / واگه بسیار سبکی است که با گوش آنرا نمیتوان دریافت، ولی دستگاه آوانگار (cymographe) آنرا می‌نگارد .

این واگه سبک و نتار را اگر بگونه / θ / نمایش دهیم در این آزمایش آوانوشت درستتر / pist / بگونه / pistθ / درمیآید و بخش‌بندی درست آن / pis-tθ / میشود و در فارسی نیز میتوان واژه‌های بیست، راست، سفت، برد و تند را بهمین روش بخش کرد :

. / ton-d^θ / و / bor-d^θ / / sef-t^θ / / rās-t^θ / ، / bis-t^θ /

با این روش دشواریهای دیگری که در بخش بندی واژه‌هایی چون /meyl/ ،
/ goud / و /šēr/ با آنها روبرو هستیم از میان می‌رود و بخش بندی آنها بدینگونه
درمی‌آید :

. /šē-r^θ / و / gou-d^θ / / mey-l^θ /

زیرا کَشش هر یک از این واژه‌ها در فارسی بیش از یک بخش است و دو بخش
کردن آنها نیز باروش پیشین ، ممکن نیست .

همچنین اگر واژه /ârt/ را بگونه /â-rt/ بخش کنیم ناگزیر در روند گفتار
این بخش بندی درهم میریزد و /rt/ درمی‌آید و واژه دیگری که پس از آن در آید
از هم می‌گسلد :

. /âr-te-jou/ ، /âr-to-bâr/

و اگر بخش بندی آنرا بگونه /âr-t^θ/ بپذیریم در روند گفتار نیز پابرجا
میماند و دشواری تازه‌یی هم از این رهگذر پیش نمی‌آید .

u (+)

	p	b	f	v	m	t	d	n	l	r	s	z	c	j	š	ž	y	k	g	q	x	γ	'	h	
u			+				+	+		+			+								+	+			+
p	+					+	+	+	+	+	+	+	+		+			+				+			
b	+					+	+	+	+		+	+													
f	+					+	+				+	+						+							
v	+					+	+	+	+		+	+													
m	+					+	+	+	+	+	+	+	+										+		
t	+	+				+	+	+	+	+	+							+							
d	+					+	+	+	+	+	+	+						+				+	+		
n	+		+			+	+			+	+	+		+	+			+		+					+
l	+	?				+	+		+	+	+	?	+		+			+				+			
r	+		+	+		+	+	+		+	+	+	+	?	+	?		+				+	+		+
s	+					+	+	+	+	+	+	+										+			
z	+					+	+	+	+									+		+					
c	+		+			+	+		+	+													+		
j	+		+			+	+	+															+		
š	+		+			+	+	+	+													+			
ž		?																							
y	+		+	+		+	+		+	+	+	+		+	+			+							
k	+		+	+		+	+	+	+	+	+	+		+	+			+							
g	+					+	+		+	+	+	+													
q	+			+		+	+	+	+	+	+														
x	+		+			+	+	+	+	+	+							+							
γ	+		+			+	+	+	+		+	+						+							
'																									
h	+					+	+	+	+									+							

0 (+)

	p	b	f	v	m	t	d	n	l	r	s	z	c	j	š	ž	y	k	g	q	x	γ	'	h
	o	+	+	+		+	?	+	?	+	+	+			+		+			+	+	+		+
p	+	+		+		+	+	+		+	+	+			+		+			+	+			
b	+					?	+	+	+	+		+		+	+	+		+		+	+	+		
f	+							?		+	+				+									
v	+					+									+									
m	+			+		+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+		+				+		
t	+	+	+	+		+			+	+	+	+										+	+	
d	+		+			+			+	+	+	+			+			+				+		
n	+	+				+	+				+		+		+			+		+	+	+		
l	+	+	+	+		+	+			+			+	?		?		+			+	+		
r	+	+	+	+		+	+	+		?		+	+		+			+	+	+	+			
s	+		+	+		+			+	+	+				+	+		+				+	+	
z	+								+	+														
c	+			+	+		+	+	+	+	+				+					+				
j	+		+	+		+		+	+	+		+						+		+		+		
š	+	+		+		+	+		+	+	+				+			+			+	+		
ž																								
y	+		+			+	?	+		+	+													
k	+	+	+	+		+	+		+	+	+		+	+				+				+		
g	+	+		+		+			+	+	+		+	+	+	+		+						+
q	+	+		+		+	+	+	+	+	+	+												
x	+		+	+		+	+	+	+	+	+				+			+						
γ	+					+			+	+	+	+												
'																								
h	+	+	+	+		+		+	+	+	+			+	+		+	+						+

ë (ə)

از واگه /ë/ بنهایی بخش ساخته نمیشود و با آواگه تنها بخش باز میسازد بجز آواگهای /' / و /h/ که قبل از /ë/ در نمیآیند .

در کرمانی واژه‌بی‌را که دارای بخش /žë/ باشد نیافتیم ولی نیایی آن بعلت کمی کاربرد آواگ /ž/ در زبان فارسی است و گرنه گزارش یا هستی بخش /žë/ در کرمانی شدنی است .

پس از بخش /ë/ دار هر گاه بخشی درآید که با /y/ آغاز شود /ë/ی بخش نخست بگزارش در نمیآید :

/s (ə) yā/ ، /m(ə) yun/ زیرا آواگ /y/ و واگه /i/ همدراین دو گزاره آنها بهم نزدیک است از اینرو میتوان /y/ را نیمه واگه پنداشت و آوای واژه /sə yā/ و مانده‌های آنرا بگونه /syā/ نوشت ولی در بخش بندی گونه نخستین خورا تراست .

دو واگه‌ها

۳-۶

/ey/ گاهی یک دو واگه ساده و گاهی دو واگه جدا است و تفاوت این دو در گزارش آنها است که اگر کوتاه و پیوسته گزارش شود یک دو واگه ساده است و اگر کمی دراز و جدا گزارش شود دو واگه جدا است چنانکه گزارش واژه عربی زید بفارسی /zeyd/ است و /ey/ دو واگه جدا است و در کرمانی که کوتاه و پیوسته گزارش میشود /ey/ دو واگه‌بی ساده است .

/ou/ در کرمانی همیشه یک دو واگه ساده است و جدا از هم گزارش نمیشود و گزارش آن با /ov/ نیز مایه اشتباه نمیگردد زیرا بخش /ov/ در کرمانی نیست .

بند آواگی

	p	b	f	v	m	t	d	n	l	r	s	z	c	j	š	ž	y	k	g	q	x	γ	ʰ	h	
p																									
b						+	+	+	+	+	+	+			+				+						
f						+		+	+	+	+							+		+					
v																									
m	+	+					+	+		+	+	+													
t		+	+			+			+	+								+			+				
d									+	+								+							
n		+	+			+	+					+	?	+	+				+						
l		+	+			+	+	+			+							+		+	+				
r	+	+	+			+	+	+			+	+	+	+	+	+		+	+	+	+	+	+		
s		+	+			+	+		+	+	+							+		+	+	+			
z		+				+					+								+	+					
c																									
j								+			+								+						
š						+	+	+	+		+							+		+					
ž								+											+						
y		+	+			+	+	+	+	+	+		+	+			+				+				
k						+					+							+							
g																									
q		+	+			+	+	+	+	+		+						+							
x			+			+	+			+	+	+						+							
γ								+		+			+												
h			+	+		+	+	+	+	+	+	+	+					+							

یادداشت :

بند آواگ بخشی است که تنها با آواگ درست شود و در آن واگه نباشد : /sm/ ، /tr/ .
 بند آواگ در آغاز واژه‌های فارسی درنمی‌آید و چنانکه در آغاز گفتار باز نمودم پندار
 من چنین است که بند آواگ را در زبان ما جایی نیست و آنچه را که بند آواگ شناخته‌اند درست
 این است که دوپاره کنیم و پاره‌یی را وابسته بخش نخست و پاره دیگر را بخشی جداگانه بشمار
 آوریم و /do-ro-st/ را بگونه /do-ros-tə/ بخش‌بندی کنیم ولی چون نخستین بار است که از
 این پندار سخن میرانیم و پذیرفتن آن همه کسی را آسان نخواهد بود از اینرو آنچه را که در
 درکرمانی بینداری میتوان بند آواگ دانست در جدول آخر فراهم آوردیم تا بخش‌بندی زبان
 و بررسی این پندارها در آینده انجام گیرد و کار یکسره شود .

* واژه‌های تازه (۲)

واژه :	فرانسه	انگلیسی	توضیح
آهنگ		Intonation	لحن
بخش‌بندی	Syllabation	Syllabary	تقطیع
بن		Radical	اصل
پایدار		Stable	
پس‌شمار	Particule numéral	Numeral particle	متمم‌عدد
پیش‌آوین	Préverbe	Preverb	پیشوند فعل
پیوسته	Enclitique	Enclitic	متصل
پیوند		Conjonction	حرف ربط
تکیه «و»	Accent	Stress	(رک. ۵-۱)
تنها	Singulier	Singular	مفرد
فرزام	Participle future	Future participle	صفت لیاقی
کوش	Intensité	Intensity	شدت
کشادگی		Aperture	انفتاح
نتار	Neutre	Neuter	خنثی
ناپایدار	Instable	Unstable	

* قسمت اول در شماره پیش چاپ شده است .